

شخصیت قرآنی و شاخص های دینی

در رفتار و عملکرد شهید رئیسی

تأملی در ابعاد و درجات قرآنی شهید آیت الله رئیسی (رضوان الله علیه)

از انس با «متن قرآن» تا تلاش برای تحقق «حکمرانی قرآنی»

مقدمه

در ادبیات عرفی و در سطحی پایین‌تر، به کسی «شخصیت قرآنی» می‌گویند که اهل «خواندن» قرآن کریم و «مانوس با الفاظ و ظواهر» آن باشد؛ و در سطحی بالاتر، کسی که علاوه بر «خواندن قرآن»، با «مفاهیم» آن نیز آشنا باشد؛ و در سطحی متعالی‌تر، به کسی که غیر از «انس با الفاظ» و «آشنایی با مفاهیم»، اهل «عمل» به مضامین و مفاهیم قرآن در زندگی شخصی اش نیز باشد، «شخصیت قرآنی» اطلاق می‌شود.

اما این تعریف درباره «حکمرانان» و «کارگزاران» کمی متفاوت است. در میان کارگزاران نظام اسلامی، علاوه بر سه سطحی که پیش از این بیان شد، دو سطح دیگر نیز باید در فرد تحقق یابد تا عنوان «شخصیت قرآنی» بر او اطلاق شود:

۱. کسی که سلوک شخصی اش در حکمرانی، منطبق با مبانی قرآنی و علوی و نبوی باشد. مانند دارا بودن صفاتی همچون

ساده زیستی، سعه صدر، شجاعت و ...

۲. کسی که همه تلاش و هدفش در حکمرانی، «اقامه قرآن کریم» در حکومت و جامعه باشد؛ به این معنا که «نرم افزار»

اداره کشور در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... را قرآنی کند و در یک کلمه، «حکمرانی قرآنی» را محقق

سازد.

شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی، هر ۵ سطحی که از یک کارگزار قرآنی مورد انتظار است را دارا بود. در این مقاله تلاش شده دو مرحله اخیر شخصیت قرآنی شهید رئیسی بطور کاملاً مختصر تبیین گردد.

۱. برخی ابعاد قرآنی سلوک شخصی شهید رئیسی در حکمرانی

یکی از مراحل قرآنی بودن یک کارگزار این است که ویژگی های شخصی و سلوک رفتاری اش در حکمرانی منطبق بر مبانی قرآنی باشد. شهید آیت الله رئیسی از این منظر شخصیتی کاملاً قرآنی بود.

الف. مردم‌داری و از جنس مردم بودن و دلسوز مردم بودن

سیدالشهدای خدمت، همچون پیامبران الهی، از «جنس مردم» بود (مِنْ أَنْفُسِكُمْ) و نسبت به رسیدگی به مشکلات مردم، «حریص» و «دلسوز» بود:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ؛ به یقین، رسولی از جنس خودتان بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و نسبت به هدایت شما حریص است؛ و نسبت به مؤمنان، رؤف و مهربان است!» (توبه: ۱۲۸)

او در برابر مردم «متواضع» و «فروتن» بود:

«وَ أَخْفَضَ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ و بال خویش را برای مؤمنان فرو گستر.» (شعراء: ۲۱۵)

با مردم «مهربان» و «صمیمی» بود؛ که اگر «تندخو» و «غلیظ القلب» بود، این جمعیت میلیونی در تشییع جنازه او شرکت نمی کردند:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.» (آل عمران: ۱۵۹)

ب. سعه صدر

شهید رئیسی هم در مواجهه با مردم عادی و هم مخالفان سیاسی از «سماحت» و «سعه صدر» برخوردار بود: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَأُمُورٍ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لَذَلِكَ؛ به راستی چون خداوند بنده‌ای را برای اصلاح کار بندگان خود انتخاب کند، به او شرح صدر عطا کند.» (نهج البلاغه؛ نامه ۵۳)

«أَلَّهُ الرَّأْسَةَ سِعَةُ الصَّدْرِ؛ سعه صدر ابزار ریاست است.» (نهج البلاغه؛ حکمت ۱۷۶)

او «أُذُنٌ خَيْرٌ» و گوش شنوایی برای همه جریان‌ات سیاسی بود. او بدون اینکه از اصول انقلابی اش تنازل کند، محل وفاق و همبستگی جریان‌ات سیاسی درون انقلاب قرار گرفته بود.

ج. اخلاص و صداقت

شهید رئیسی «صادق» و «مخلص» بود. صداقت و اخلاصش در دو چیز نمایان شد: اول، شهادت که پاداش انسانهای «صادق» است:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا * لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ...؛ در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند، بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند. * هدف این است که خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش دهد.» (احزاب: ۲۳-۲۴)

دوم، تشیع میلیونی مردم؛ خداوند دل‌های مردم را به سمت انسانهای صادق و مخلص هدایت می‌کند:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند رحمن محبت آنها را در دل‌ها می‌افکند.» (مریم: ۹۶)

د. تلاش و خستگی ناپذیری

شهید رئیسی مجاهدی خستگی ناپذیر بود که در مسیر جهاد همه ملامت‌ها و سرزنش‌ها را نیز تحمل می‌کرد:

«يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش‌کنندگان هراسی ندارند.» (مائده: ۵۴)

شهید رئیسی «مدیر نه‌دسته پشت میز» نبود، بلکه «مجاهد/ایستاده در میدان» بود:

«فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر قاعدان برتری بخشیده و به هر یک از این دو دسته (به نسبت اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان برتری و پاداش عظیمی بخشیده است.» (نساء: ۹۵)

ه. عدوم ورود به منازعات سیاسی کاهنده

شهید رئیسی بخاطر مردم و مصلحت نظام، وارد دعوای و منازعات سیاسی کاهنده نمی شد؛ حتی اگر حق با او می بود، صبر می کرد تا قدرت و شوکت نظام اسلامی در چشم دیگران دچار تنازل نشود:

«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و نزاع (و کشمکش) مکنید تا سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود و صبر نمائید که خداوند با صبرکنندگان است.» (انفال: ۴۶)

۲. «اقامه قرآن» در جامعه و تحقق «حکمرانی قرآنی»

ویژگی هایی که در بخش قبل بیان شد، برای قرآنی بودن یک کارگزار و مسئول حکومت دینی لازم هست، ولی کافی نیست. آنچه یک کارگزار حکومت دینی را به معنای اتم و کامل قرآنی می کند، «باور او به حضور عملی قرآن در همه عرصه های متنوع حکمرانی کشور» و «تلاش او برای عینیت بخشیدن به این باور» است. ممکن است در جمهوری اسلامی مسئولانی باشند که برای ترویج امور قرآنی در کشور (مانند قرائت و حفظ و ترتیل و ...) مبالغ خوبی از بودجه های سالانه اختصاص دهند، در سخنرانی ها به آیات قرآن استناد کنند و حتی بعضاً منش و رفتارهای شخصی شان هم منطبق بر مبانی قرآنی و نبوی و علوی باشد، ولی اعتقادی به حضور عملی قرآن در سیاستگذاری ها و عرصه های اجرایی کشور نداشته باشند. این شیوه حکمرانی در بهترین حالت، ناشی از «جهل» و در بدترین حالت، ناشی از «نفاق» است. وجه تمایز شخصیت قرآنی شهید آیت الله رئیسی با برخی از مسئولان دیگر، دقیقاً در همین نقطه بود.

توضیح آنکه خداوند در آیاتی از قرآن کریم، به «اقامه کتاب» و در آیاتی دیگر به «اقامه نماز» در جامعه اشاره می کند:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است.» (حج: ۴۱)

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ؛ و اگر آنها تورات و انجیل و آنچه بر آنها از طرف پروردگارشان نازل شده (قرآن) را برپا دارند از آسمان و زمین روزی خواهند خورد.» (مائده: ۶۶)

هدف حکمرانی در اسلام، «اقامه نماز» است و راه رسیدن به این هدف، «اقامه کتاب خدا». این مطلب در آیه ای از قرآن کریم بیان شده است:

«وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَكَّةَ بِالتَّوْبَةِ وَالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ؛ و آنها که به کتاب (خدا) تمسک جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد!» (اعراف: ۱۷۰)

مطابق مضمون این آیه شریفه، در هیچ جامعه ای هدف «اقامه نماز» محقق نمی شود، جز با تمسک معرفتی و قلبی و عملی کارگزاران حکومتی و مصلحان اجتماعی به «قرآن کریم» در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری ها.

توجه به نکات زیر، ارتباط میان موضوع این نوشته و مضمون این آیه شریفه را بیشتر و بهتر نمایان خواهد کرد:

۱. اولاً منظور از «مصلحین» در این آیه شریفه، اصلاح کنندگان جامعه هستند، نه انسان هایی که صرفاً در رفتارهای شخصی شان افراد صالح و باتقوایی هستند. بنابراین فضا و سیاق آیه شریفه، پیرامون مسائل اجتماعی و اصلاح اجتماعی است، نه اصلاح فردی.
- این مصلحان اجتماعی را در دو گروه کلی می توان جای داد: «عالمان، اندیشمندان و نخبگان» و «امراء، کارگزاران و سیاستمداران»؛ پیامبر اکرم (ص): «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُم قَالَ الْفُقَهَاءُ وَ الْأَمْرَاءُ؛ دو گروه از امت من هستند که اگر صالح باشند، امت من صالح خواهد شد و اگر فاسد

باشند، امت من فاسد خواهند شد؛ به پیامبر اکرم(ص) گفته شد: آن دو گروه چه کسانی هستند؟ فرمودند: عالمان دین و زمامداران.» (تحف العقول؛ ص ۵۰)

۲. ماده «مسک»، به معنای «گرفتن»، «نگاه داشتن» و «حبس کردن» است و «تمسک» نیز از باب «تفعیل» و به معنای «چنگ زدن» و «گرفتن با شدت» است. «تمسک به کتاب الهی» که این آیه شریفه آن را راه اصلاح جامعه می‌داند، نه به معنای گرفتن یا چنگ زدن کتاب الهی با دست است، و نه به معنای «قرائت یا تلاوت کتاب الهی»؛ بلکه به معنای چنگ زدن به کتاب الهی در باورها، اعتقادات و اعمال انسان است؛ بگونه‌ای که فکر و عمل انسان کاملاً با ضوابط و قواعد کتاب خدا تنظیم شده باشد و از هرگونه ضابطه و قاعده غیرالهی، تهی گردد.

۳. مطابق حدیث شریف ثقلین و احادیث متعدد دیگر، تمسک تام و تمام به قرآن کریم جز با «توسل علمی» و «توسل قلبی» به اهل بیت(ع) امکان پذیر نیست.

۴. «اقامه نماز»، یعنی تقویت رابطه معنوی مردم با خداوند؛ و این، همان هدف غایی «تزکیه» و «اصلاح فرهنگی» جوامع است. به نظر می‌رسد تقدم «تمسک به کتاب» بر «اقامه نماز» در این آیه شریفه، این نکته را می‌فهماند که با «تمسک به قرآن» در سیاستگذاری‌های فرهنگی-اجتماعی است که هدف «اقامه نماز» در جامعه، محقق شده و جامعه به سمت «اصلاح» پیش می‌رود. شهید آیت الله رئیسی باور داشت و بارها بر این مسئله تأکید کرده بود که با «تمسک به قرآن» و «اقامه قرآن» در نرم افزار اداره کشور، می‌توان هدف حکمرانی در اسلام، یعنی «اقامه نماز» را محقق کرد و همه تلاشش نیز در این جهت بود.

نمونه هایی از تلاش شهید رئیسی برای تحقق حکمرانی قرآنی

در این بخش تنها به سه مصداق از تلاش شهید آیت الله رئیسی برای قرآنی کردن نرم افزار اداره کشور و تحقق حکمرانی قرآنی اشاره خواهیم کرد.

الف. تبری قلبی و لسانی و عملی از دشمن

اولین و مهمترین شرط برای تحقق حکمرانی قرآنی، نپذیرفتن ولایت شیاطین عالم و اظهار تبری نسبت به آنان در قلب و سخن و عمل است. شهید رئیسی به همان میزان که با مردم نرم‌خو و متواضع بود در برابر دشمنان دین خدا و دشمنان مردم نیز سرسخت و مقاوم بود:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد(ص) فرستاده خداست و کسانی که همراه او

هستند در برابر دشمنان سرسخت و میان خودشان مهربان هستند.» (فتح: ۲۹)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى

الْكَافِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از آئین خود باز گردد (به خدا زیانی نمی‌رساند) خداوند در آینده

جمعیتی را می‌آورد، که آنها را دوست دارد و آنها (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران

سرسختند.» (مائده: ۵۴)

دیپلماسی عزتمندانه شهید رئیسی در برابر آمریکا و غرب و دفاع از مردم مظلوم فلسطین گواهی بر وجود این روحیه در ایشان بود.

ب. اعتماد به جوانان و بهره گیری از ظرفیت مردم

او همچون ذوالقرنین که به مردم و جوانانی که از او کمک خواسته بودند، فرمود: «فَاعِينُونِي بِقُوَّةٍ»، به ظرفیت بی نظیر مردم و بخصوص جوانان ایران باور داشت.

شهید رئیسی هم در مسئولیت های دولتی از جوانان بهره گرفت و هم در بخش خصوصی از خلاقیت ها و ابداعات جوانان حمایت می کرد.

ج. عدالت محوری

دولت انقلابی باید در پی گسترش عدالت در جامعه باشد. این مسئله آن قدر مهم است که قرآن کریم یکی از اهداف بعثت انبیاء الهی و تشکیل دولت اسلامی را همین مسئله می داند:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند.» (حدید: ۲۵)

شهید آیت الله رئیسی، در مسئولیت خطیر و موفق و کارآمد خود در قوه قضائیه، تا حد بسیار خوبی توانست طعم عدالت را به مردم بچشاند و احساس عدالت را در مردم بوجود بیاورد. ایشان با این پیشینه وارد دستگاه اجرایی شد و تمام تلاشش اجرا و تحقق و اشراف «عدالت» در همه بخش های حکمرانی دولت بود.

در هم تنیدگی «عدالت» با «معنویت» و «عقلانیت»

برخلاف برخی روایت ها و برداشت های غلط از مفهوم «عدالت»، در اندیشه و رفتار سیاسی شهید رئیسی، «عدالت» با «عقلانیت» و «معنویت» همراه بود. «عدالت ورزی» او نه به «مقابله با امام جامعه» منتهی می شد و نه به «بی تقوایی»:

«وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى؛ دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است.» (مائده: ۸)

درهم تنیدگی «پیشرفت» و «عدالت»

در نظریه حکمرانی اسلام، عدالت و پیشرفت دو مفهوم کاملاً در هم تنیده است. در اسلام، امکان «پیشرفت متوازن» جز در بستر عدالت و از مسیر عدالت محقق نمی شود.

شهید آیت الله رئیسی، برخلاف برخی اندیشه های غلط اقتصادی که در دهه های پس از پایان جنگ در کشور حاکم بود، کاملاً معتقد به درهم تنیدگی «پیشرفت» و «عدالت» بود و در این جهت تلاش می کرد.

مبارزه دائمی با فساد

عدالت در جامعه محقق نمی شود مگر با مبارزه با فساد. به عبارت دیگر دولت اسلامی برای تحقق کامل عدالت در جامعه، علاوه بر کارهای ایجابی، باید به کارهای سلبی هم بپردازد و با هرگونه فساد که مانع تحقق عدالت می شود، به شدت مبارزه کند.

مفسران گرانقدر درباره تعبیر «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید معتقدند: «از آنجا که به هر حال در یک جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد باز افرادی پیدا می شوند که سر به طغیان و گردنکشی بر می دارند و مانع

اجرای قسط و عدل خواهند بود، لذا در ادامه آیه می‌فرماید: «ما آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و نیز منافی برای مردم.» (تفسیر نمونه؛ ج ۲۳، ص ۳۷۲)

کارنامه شهید رئیسی در قوه قضائیه و سپس دولت، به وضوح گواهی دهنده تلاش بی وقفه ایشان برای مبارزه دائمی با فساد است.

توجه و رسیدگی به طبقه محروم و مستضعف

یکی از وجوه مهم تحقق عدالت، توجه و رسیدگی به طبقه محروم و مستضعف است. شهید رئیسی کارهای زیرساختی و راهبردی زیادی در دوران کوتاه مسئولیت خود آغاز کرد که برخی از آنها به سرانجام رسید، اما این کارهای بلندمدت و زیرساختی مانع توجه او به مشکلات روزمره مردم و رسیدگی به طبقه محروم و مستضعف نشد. این همان توصیه امام امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر است که فرمود:

«ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى... وَلَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ، فَإِنَّكَ لَا تَعْدُرُ بِتَضْيِيعِكَ التَّافِهَ لِإِحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ. فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لَهُمْ؛ خُذْ رَايَ اللَّهِ رَايَ الْخَلْقِ (در نظر داشته باش) درباره طبقه پایین اجتماع... هرگز غرور و سرمستی زمامداری، تو را به خود مشغول نسازد (و از رسیدگی به کار آنها باز ندارد) زیرا هرگز به بهانه کارهای فراوان و مهمی که انجام می‌دهی از ترک خدمات کوچک معذور نیستی. نباید هم خود را از آنها برگیری و روی از آنان برگردانی (و بی‌اعتنائی کنی).» (نهج البلاغه؛ نامه ۵۳)

جمع بندی و نتیجه گیری

از آنچه گذشت می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که شهید آیت الله رئیسی همه ابعاد و مراحل یک شخصیت قرآنی که از یک کارگزار نظام اسلامی توقع می‌رود را دارا بود: «انس با الفاظ قرآن»، «آشنایی با مفاهیم و مضامین متعالی قرآنی»، «سلوک قرآنی در زندگی فردی»، «سلوک قرآنی در زندگی سیاسی و رفتارهای حاکمیتی» و نهایتاً «تلاش برای اقامه قرآن کریم در حکومت و جامعه و تحول نرم افزاری در اداره حکومت».